

این سند، ارائه‌گر چارچوبی برای پروژه‌های کمک فنی در سطح ملی است که برنامه‌ای بلند مدت و بین‌سازمانی را دربرمی‌گیرد و ارتقاء نقش صنایع فرهنگی به مثابه یک راهبرد کاهش فقر و احیاء نقش اجتماع محلی در منطقه‌ی آسیا-اقیانوسیه را جستجو می‌کند. هدف از تهیه‌ی این سند، کمک به صورت‌بندی پروژه‌ها و فعالیت‌هایی است که برای جمع‌آوری و تحلیل داده‌های آماری در خصوص صنایع فرهنگی در سطح ملی صورت می‌گیرد. این سند با همکاری کارگروه فنی و بین مؤسسه‌های سازمان ملل در زمینه‌ی آمارهای صنایع فرهنگی در آسیا متشکل از برنامه‌ی توسعه سازمان ملل، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، مؤسسه‌ی آماری یونسکو و سازمان جهانی مالکیت معنوی تهیه شده است. هدف این کارگروه، دستیابی به راهبردی برای جمع‌آوری و تحلیل آمارهای مرتبط با صنایع فرهنگی و تأثیرات این صنایع بر بهزیستی اجتماعی و اقتصادی در سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی است.

در سال‌های اخیر، جامعه‌ی بین‌الملل به گونه‌ای فزاینده نقش غیرقابل انکار فرهنگ در توسعه را به رسمیت شناخته است. مؤسسات گوناگون سازمان ملل با تمرکز دوباره بر نقش فرهنگ و صنایع فرهنگی به عنوان ابزاری در دستیابی به اهداف توسعه هزاره، پیشگام این امر به شمار می‌آیند. یونسکو سال‌هاست که به موضوع صنایع فرهنگی توجه نشان می‌دهد (نخستین بار در سال ۱۹۷۶ در کنفرانس عمومی این سازمان در نایروبی)، اما تنها از سال ۱۹۹۵ بود که با انتشار گزارش کمیسیون جهانی فرهنگ و توسعه، مسائل فرهنگی توسعه در برنامه‌های همه‌ی دولت‌های عضو سازمان ملل جای گرفتند. این گزارش، الهام‌بخش کنفرانس بین‌دولتی سیاست‌های فرهنگی توسعه بود که در ۱۹۹۸ در استکهلم سوئد برگزار شد و پس از آن اولین گزارش جهانی فرهنگ از سوی یونسکو با عنوان «فرهنگ، آفرینندگی و بازارها» در همان سال انتشار یافت. هم کنفرانس یاد شده و هم گزارش پس از آن، بر لزوم سیاست‌گذاری‌های فرهنگی نوین برای دربرگیری نقش نوظهور صنایع فرهنگی به عنوان بخشی از راهبردهای توسعه تأکید کردند.

آمارهای صنایع فرهنگی

(چارچوبی برای گسترش پروژه‌های ملی)

در زمینه‌ی ظرفیت‌سازی داده‌ها)

تایلند (بانکوک)، ۲۰۰۷

ناشر: یونسکو، ۱۱۰ صفحه

مهدی ابراهیمی

Statistics on cultural Industries (Framework for the Elaboration of National Data Capacity Building projects), UNESCO, 2007, 110P

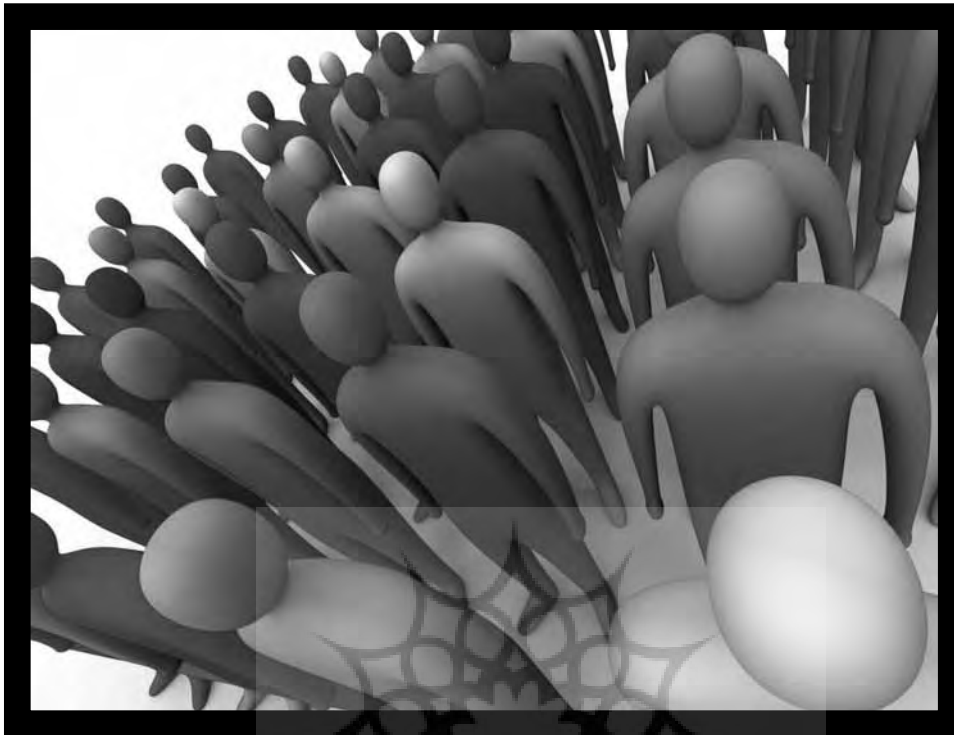


تحقق راهبرد جمع‌آوری داده‌ها پیرامون صنایع فرهنگی در سطح ملی، نیازمند فراهم کردن اطلاعات آماری در مورد ظرفیت بالقوه و گستره‌ی صنایع فرهنگی و خلاقانه است. این اطلاعات به نوبه‌ی خود، توسعه‌ی سیاستگذاری‌های مبتنی بر سند و مدرک را امکان‌پذیر می‌سازند.

این سند از دو بخش تشکیل شده است که هر بخش موارد گوناگونی را دربرمی‌گیرد. پیش از آغاز بخش اول و در قسمتی که شکل مقدمه دارد، ابتدا تعریفی از صنایع فرهنگی از دید این کار گروه ارائه شده است که عبارتند از: صناعی که محصول تولیدی آنها به صورت ملموس و غیر ملموس، شکل خلاقانه و هنرمندانه دارد. این صنایع به واسطه‌ی بهره‌برداری از دارایی‌های فرهنگی و تولید کالاها و خدمات دانش‌محور (سنتی و جدید) قابلیت ایجاد ثروت و درآمد را دارند. ویژگی مشترک صنایع فرهنگی این است که در همگی آنها آفرینندگی، دانش فرهنگی و دارایی‌های فکری برای تولید کالاها و خدمات دارای معنای اجتماعی و فرهنگی بکار می‌رود. صنایع فرهنگی، مجموعه‌ای گسترده از فعالیت‌های اقتصادی را شامل می‌شود؛ از جمله: تبلیغات بازرگانی، معماری، صنایع دستی، مد (پوشاک و...)، فیلم، ویدئو و دیگر تولیدات صوتی-تصویری، طراحی گرافیک، نرم افزارهای آموزشی و تفریحی، موسیقی زنده و ضبط شده، هنرهای نمایشی و برنامه‌های سرگرم کننده، پخش رادیویی، تلویزیونی و اینترنتی، صنعت چند رسانه‌ای، هنرهای تجسمی، موزه‌ها، آثار باستانی، خط، چاپ و نشر (مطبوعات، مجله، کتاب و...).

در گذر زمان، با پذیرش کنوانسیون ترویج و حمایت از تفاوت‌های فرهنگی و توافقنامه آن از سوی مجمع عمومی سازمان ملل، صنایع فرهنگی و کسب و کارهای خلاقانه‌ی ناشی از آن، جایگاهی مناسب در راهبردهای توسعه انسانی به دست آورده‌اند.

برای تصمیم‌گیری‌های آگاهانه در جهت ترویج و ارتقاء موفقیت‌آمیز صنایع فرهنگی، وجود داده‌های قابل اعتماد و آمارهای معنی‌دار و هدفمند، ضروری می‌نماید. یونسکو پیشگام حرکت به سمت تولید داده‌های آماری پیرامون صنایع فرهنگی است. دیگر مجامع بین‌المللی همچون شورای اروپا نیز تلاش‌هایی برای درک و بکار بستن پتانسیل اقتصادی صنایع فرهنگی به انجام رسانده‌اند. بانک جهانی، بانک‌های منطقه‌ای توسعه و دولت‌های کشورهای صنعتی نیز به شکلی روز افزون به مفهوم صنایع فرهنگی توجه نشان می‌دهند. در منطقه‌ی آسیا-اقیانوسیه، کنفرانس بین مؤسسه‌ای سازمان ملل که با مشارکت یونسکو، بانک جهانی، سازمان توسعه صنعتی ملل متحد، بانک توسعه آسیا و سازمان جهانی مالکیت معنوی در فوریه سال ۲۰۰۵ در هندوستان برگزار شد، انگیزه‌ای برای همکاری و هماهنگی برنامه‌های کشوری در این منطقه‌ی جهان فراهم نمود. یکی از نتایج حائز اهمیت این کنفرانس، دستیابی به چارچوبی مشترک برای گردآوری و تحلیل نظام‌مند آمارها در خصوص صنایع فرهنگی بود. سند مورد بررسی در اینجا و عنوان فرعی آن (چارچوبی برای بسط پروژه‌های ظرفیت‌سازی ملی) نیز در واقع برآمده از همین کنفرانس است. باید توجه داشت که



غیر قابل اتکا هستند. در قسمت سوم این بخش، با عنوان اهداف، هدف کلی پروژه‌های گردآوری داده‌های ملی، بهبود شفافیت و حکمرانی در درون بخش صنایع فرهنگی و توسعه‌ی سیاستگذاری مبتنی بر سند و مدرک در این حوزه قلمداد شده و محیط سیاستگذاری نیز عاملی تعیین کننده در رشد صنایع فرهنگی تلقی گردیده است.

قسمت چهارم این بخش با نام روش‌شناسی، چهار موضوع را دربرمی‌گیرد: الف) تعاریف: در سال‌های اخیر تلاش‌هایی صورت گرفته تا برای سنجش تأثیرات اجتماعی و اقتصادی صنایع فرهنگی، استانداردها و شاخص‌های اندازه‌گیری مبتنی بر توافق بین‌المللی بدست آید، اما تاکنون توافق گسترده‌ای در این زمینه حاصل نشده است. یک مانع جدی در این راه، دشواری تعیین دقیق آن چیزی است که باید اندازه‌گیری شود. ب) حوزه و گستره: پنج عامل مهم در توسعه‌ی بخش صنایع فرهنگی عبارت‌اند از: سازمان و ارزش‌های اجتماعی، توسعه‌ی منابع انسانی، مدیریت دارایی‌های فرهنگی، توسعه‌ی تکنولوژیکی و زیرساخت‌ها و محیط سیاستگذاری (چارچوب قانونی، چارچوب نهادی، چارچوب مالی، زیر ساخت‌های فیزیکی). ج) طراحی پروژه: هدف پروژه‌های ملی جمع‌آوری داده‌ها، تقویت و توسعه‌ی ظرفیت ادارات آماری ملی است و این کار از طریق بسط ابزارها و رهنمودهایی برای گردآوری و تحلیل داده‌ها، قالب‌های اخذ گزارش و تحلیل روندهای مرتبط با بخش صنایع فرهنگی صورت می‌گیرد. د) نمونه‌گیری: پروژه‌های ملی در زمینه‌ی داده‌های صنایع فرهنگی باید از روش‌های

چارچوب ارائه شده در این سند برای گسترش پروژه‌های ظرفیت‌سازی ملی، اساساً یک راهنمای مرجع و آموزشی در زمینه‌ی روش‌شناسی و تعیین حدود آمارهای مرتبط با صنایع فرهنگی است و درکی عمیق‌تر از نقش صنایع فرهنگی در توسعه ملی به دست می‌دهد. فقدان داده‌های آماری در مورد صنایع فرهنگی در آسیا و اقیانوسیه، مانعی جدی در توسعه‌ی این بخش به شمار می‌آید. بنابراین، باید از توسعه‌ی یک روش شناسی استاندارد به منظور پیگیری رشد صنایع فرهنگی و همچنین ظرفیت‌های ملی در خصوص جمع‌آوری و تحلیل آمارهای صنایع فرهنگی حمایت کرد. چالش‌های روش‌شناختی در زمینه‌ی پروژه‌های مرتبط با داده‌ها از این واقعیت ناشی می‌شود که صنایع فرهنگی هنوز هم در استانداردهای بین‌المللی داده‌های آماری به عنوان بخشی با نیازها و کارکردهای متمایز، به رسمیت شناخته نشده و تعریف نشده‌اند.

در بخش اول این سند ابتدا به زمینه‌ی توسعه‌ی صنایع فرهنگی پرداخته شده و بیان گردیده که صنایع فرهنگی در کنار تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات (ICT) و تکنولوژی‌های زیستی، بخشی از اقتصادهای دانشی جدید هستند. تمرکز بر صنایع فرهنگی با ظهور یک پارادایم جهانی نوپدید برای توسعه در ارتباط است. باید توجه داشت که صنایع فرهنگی، پتانسیل ویژه‌ای برای نیل به توسعه و تغییرات مشارکتی و مبتنی بر اجتماع محلی دارند.

قسمت دوم از بخش اول سند، نیاز به داده‌ها نام دارد و در آن مطرح شده که داده‌های موجود در مورد صنایع فرهنگی، اکثراً غیر نظام‌مند و



نمایشی، میراث فرهنگی و...). برخی نتایج مدل پیمایش بخشی عبارتند از: ۱- دستیابی به داده‌های مبنایی برای بخش صنایع فرهنگی (ارقام مرتبط با تولید، محیط سیاستگذاری، فعالان اجتماعی این عرصه و...)، ۲- فراهم شدن شالوده‌ای برای رایزنی و مشورت با افراد و گروه‌های اصلی ذینفع در این حوزه و ۳- تحلیل شکاف‌های موجود در زمینه‌ی شیوه‌های گردآوری داده‌های این بخش.

مؤلفه‌ی (ب) جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل داده‌های آماری به منظور توسعه‌ی صنایع فرهنگی است. هدف این کار، توسعه‌ی ظرفیت‌های نهادی لازم برای تولید آمارهای کلیدی سالانه در مورد این بخش است. برخی نتایج این مؤلفه عبارتند از: ۱- در زمینه‌ی داده‌ها: تثبیت سیستمی برای جمع‌آوری منظم و استاندارد داده‌ها در خصوص صنایع فرهنگی و بدست آمدن دروندادهایی که قابلیت مقایسه‌ی منطقه‌ای دارند. ۲- در زمینه‌ی ظرفیت‌سازی: فراهم آمدن ابزارهای تحلیلی، دستورالعمل‌ها و راهنماهای آموزشی برای اطمینان یافتن از افزایش ظرفیت‌های ملی. ۳- در زمینه‌ی استانداردهای منطقه‌ای: کمک به مباحث و توافقات بین‌المللی در مورد رویه‌ها و استانداردهای منطقه‌ای آمارهای صنایع فرهنگی. مؤلفه‌ی (ب) چهار موضوع را دربرمی‌گیرد: نقش اقتصادی صنایع کپی‌رایت اصلی، آمارهای تجاری در خصوص صنایع کپی‌رایت محدود، الگوهای اشتغال در صنایع فرهنگی و تأثیرات اجتماعی صنایع فرهنگی با عطف نظر به تغییرات، الگوهای مشارکت و مصرف کالاها و خدمات فرهنگی.

استاندارد نمونه‌گیری آماری (با توجه به محدودیت بودجه‌های خود) استفاده نمایند. این پروژه‌ها می‌بایست از تحلیل داده‌های ثانویه و روش‌هایی ویژه برای بدست آوردن و تحلیل داده‌های اولیه پیرامون زیربخش‌های صنایع فرهنگی بهره‌گیرند.

قسمت پنجم بخش اول با عنوان فعالیت‌های پروژه‌ای، چهار مؤلفه را مطرح ساخته است:

مؤلفه‌ی (الف) مدل تشخیصی پیمایش بخشی نام دارد که هدف آن بکارگیری یک چارچوب مفهومی برای توسعه‌ی بخش صنایع فرهنگی، افزایش آگاهی و ارتقاء ظرفیت‌های حرفه‌ای است. از طریق پیمایش بخشی می‌توان اطلاعات مختلفی بدست آورد، از جمله: داده‌های اساسی کشوری (گزارش‌های توسعه‌ی ملی برنامه‌ی توسعه‌ی سازمان ملل، گزارش‌های بانک جهانی و...)، چارچوب سیاستگذاری (اهداف طرح توسعه‌ی ملی، برنامه‌های عمده در حوزه‌ی صنایع فرهنگی، تکنولوژی‌های اطلاعات و ارتباطات، کاهش فقر، دربرگیری گروه‌های حاشیه‌ای، حقوق مالکیت معنوی و آزادی مطبوعات)، چارچوب قانونی و نظم‌دهنده (نظم بخشیدن به صادرات و واردات کالاهای مرتبط با بخش صنایع فرهنگی)، چارچوب نهادی (نهادهای مهارت‌آموزی، موزه‌ها، کتابخانه‌ها و سازمان‌های حرفه‌ای مربوطه)، رویه‌های آماری و ظرفیت آن (بررسی‌های خانوار، سرشماری‌ها و سایر منابع اطلاعات آماری مانند بانک جهانی، یونیسف و...)، داده‌های مربوط به اشتغال و اطلاعاتی کلی پیرامون زیربخش‌های صنایع فرهنگی (مطبوعات و کتاب‌ها، هنرهای

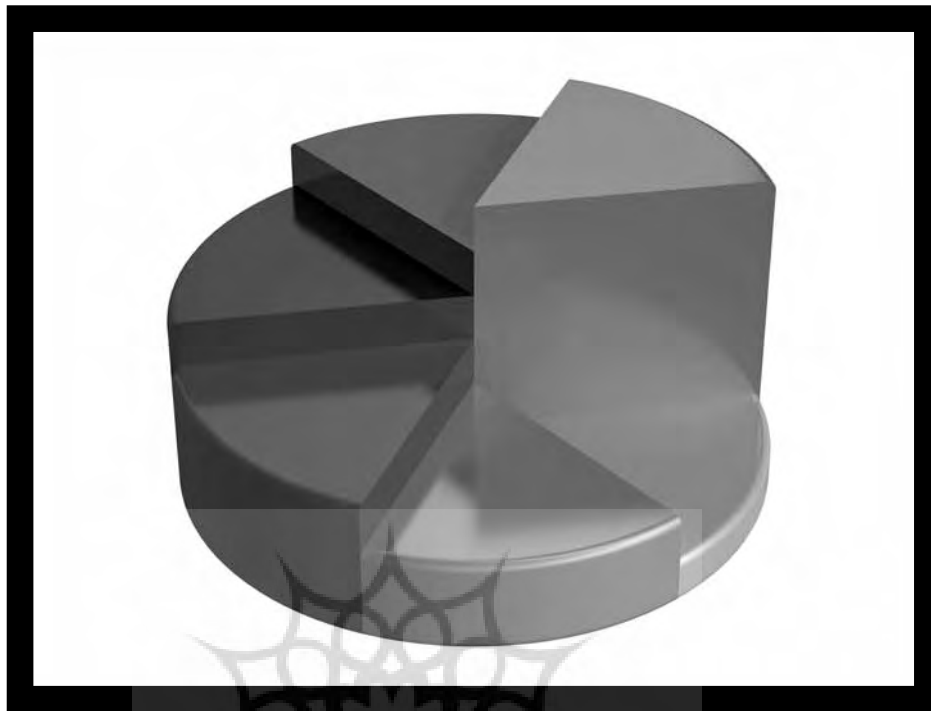


در قسمت ششم از بخش اول این سند، از پیامدهای مورد انتظار پروژه‌های جمع‌آوری داده‌ها در سطح ملی سخن به میان آمده که از جمله عبارتند از: ۱- شکل‌گیری پایگاه اطلاعاتی در خصوص صنایع فرهنگی با داده‌های قابل مقایسه (اطلاعات منسجم، گزارش‌های داده‌ای منظم، تحول سیاستگذاری‌ها، تسهیل سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در این عرصه و هموار شدن مسیر پروژه‌های بعدی)؛ ۲- ظرفیت‌سازی در مورد آمارهای صنایع فرهنگی. در سطح ملی، این امر از طریق پر شدن شکاف میان صنایع فرهنگی، سیاستگذاری‌ها و جمع‌آوری داده‌های آماری، بهبود سیستم‌های اطلاعاتی (نرم افزارهای آماری صنعتی برای ذخیره، پردازش، جدول بندی و تحلیل داده‌ها) و افزایش ظرفیت نهادی صورت می‌گیرد و در سطح منطقه‌ای (در اینجا آسیا-اقیانوسیه) به واسطه‌ی همکاری آگاهانه‌تر برای تصمیم‌گیری‌های دانش-محور، ارتقاء پیوندهای منطقه‌ای، همکاری در استفاده از منابع سازمان‌های توسعه و بهبود بازاریابی برای فعالان آماری؛ ۳- دستیابی به استانداردهای منطقه‌ای. در پایان این قسمت نیز تأکید شده که توسعه‌ی صنایع فرهنگی را نه تنها از حیث کاهش فقر و احیاء نقش اجتماع محلی، بلکه به مثابه عنصر ضروری توسعه‌ی پایدار نیز باید مطمئن نظر قرار داد.

در قسمت هفتم از بخش اول به افراد و گروه‌های ذینفع و بهره‌مند در حوزه‌ی صنایع فرهنگی توجه شده است. یکی از گروه‌های هدف عمده در پروژه‌های ملی داده‌های صنایع فرهنگی، اعضای ادارات آماری

مؤلفه‌ی (پ) به مطالعات موردی در زمینه‌ی سیاستگذاری می‌پردازد و هدف آن ارزیابی تأثیر سیاستگذاری‌های خاص با تمرکز بر تشویق صنایع فرهنگی کوچک و متوسط در نواحی روستایی و مناطق فقیر شهری است. این مطالعات موردی خرد، چهار حوزه را شامل می‌شود: ۱- تحلیل محیط و زیرساخت‌های سیاستگذاری ۲- بخش‌های فرعی صنایع فرهنگی ۳- راهبرد توسعه‌ی موسوم به خوشه‌ای ۴- بررسی‌های روش شناختی. این مؤلفه نیز دستاوردهایی نظیر تسهیل تولید داده‌ها و کمک به تفسیر آنها، فراهم شدن دروندادهایی برای یک پایگاه داده‌های بین‌المللی در خصوص منابع اطلاعاتی و ابزارهای تحلیلی مرتبط با توسعه‌ی صنایع فرهنگی و حاصل شدن درکی عمیق‌تر از نقش صنایع فرهنگی در توسعه را در پی دارد.

مؤلفه‌ی (ت) بر تعیین معیارهایی در زمینه‌ی آفرینندگی و خلاقیت اتکا دارد و هدف آن بسط شاخص‌هایی در این مورد است. این مؤلفه که بدان شاخص آفرینندگی نیز گفته می‌شود، تعریف و اندازه‌گیری آفرینندگی را از منظر توسعه‌ی اقتصادی یک سازمان اجتماعی همچون شهر، ملت یا یک اتحادیه‌ی تجاری منطقه‌ای دربرمی‌گیرد. بر این اساس می‌توان ملاک‌هایی تعیین نمود تا میزان کمک فرهنگ به رشد اقتصادی و رقابت‌پذیری میان کشورها و مناطق مختلف در طول زمان مشخص شود. تسهیل سیاستگذاری و تحلیل‌های بخشی در سطح محلی و ملی و ایجاد مبنایی برای همکاری‌های منطقه‌ای از نتایج این مؤلفه است.



اذعان گردیده که صنایع فرهنگی نقش مهمی در ایجاد شغل و درآمد، احیاء و زیست‌پذیر ساختن اجتماعات محلی، کاهش مهاجرت به شهر، افزایش مشارکت در مسائل و حکمرانی محلی و نیز گسترش استفاده از دانش بومی و محلی دارند. نکته‌ی حائز اهمیت دیگر این است که همه‌ی جنبه‌های چرخه‌ی صنایع فرهنگی شامل خاستگاه، تولید، بازاریابی، توزیع، فروش و حتی مصرف این صنایع را می‌توان با سود جستن از تکنولوژی‌های اطلاعاتی جدید ارتقاء بخشید. این قسمت با بحث پیرامون همکاری و پشتیبانی بین‌المللی در این حوزه پایان می‌یابد. قسمت دوم این بخش با عنوان تحلیل وضعیت، سه موضوع را پیش کشیده است: صنایع فرهنگی و اولویت‌های توسعه‌ی ملی، نیاز به داده در خصوص صنایع فرهنگی (با عطف نظر به گروه‌های عمده‌ی ذینفع در توسعه‌ی بخش صنایع فرهنگی یعنی دولت، شرکت‌های بخش خصوصی و نهادهای تحقیقاتی) و در نهایت، ظرفیت آمارهای فعلی. قسمت سوم این بخش نیز اهداف توسعه‌ی پروژه‌های گردآوری داده‌ها را به بررسی گذاشته است. لازم به ذکر است که در قسمت‌های مختلف بخش دوم این سند، از نتایج مطالعه‌ی موردی کشور بوتان و وضعیت این کشور در زمینه‌ی مباحث مطرح شده سخن به میان آمده است. و سرانجام این که در قسمت پایانی این بخش از سه فاز اجرایی در پروژه‌های ملی جمع‌آوری داده‌های صنایع فرهنگی بحث شده که فاز اول آن یک سال و فازهای دوم و سوم، هر کدام نزدیک به دو سال به طول می‌انجامند.

ملی‌اند. گروه هدف بعدی، سیاستگذاران و تحلیل‌گران هستند. یکی دیگر از گروه‌های ذینفع مهم در این عرصه، محققان فرهنگی‌اند و در کنار آنها، روزنامه‌نگاران، مدیران مالی و... نیز از پروژه‌های ملی داده‌های صنایع فرهنگی سود می‌برند، اما در نهایت، گروه ذینفع اصلی را باید شهروندان کشورهای درگیر در این پروژه‌ها دانست. قسمت هشتم از بخش اول با عنوان ترتیبات اجرایی به مواردی همچون گسترش پروژه‌های جمع‌آوری داده‌ها در مناطق و کشورهای مختلف، مدیریت پروژه‌ها و ملزومات اجرای آنها، همکاری و مشارکت فنی و برنامه‌های زمان‌بندی شده از سال ۲۰۰۷ تا ۲۰۱۶ برای به انجام رساندن پروژه‌ها اختصاص یافته است و قسمت نهم و پایانی بخش اول که راهبردهای تأمین بودجه نام گرفته، تأمین بودجه‌ی پروژه‌های ملی و همکاری منطقه‌ای در این خصوص را به بحث کشیده است. در بخش دوم این سند که مانند بخش اول به چند قسمت تقسیم می‌شود، چگونگی استفاده از سند نخستین و اصلی پروژه‌ی داده‌های ملی صنایع فرهنگی، مطرح گردیده است. در اولین قسمت این بخش با عنوان زمینه‌ی توسعه، ابتدا مبحثی در مورد اوضاع و احوال بین‌المللی مطرح شده که براساس آن، در گذار به اقتصادهای دانش-محور، از صنایع فرهنگی یا خلاقانه به عنوان بخشی به سرعت رشد یابنده از اقتصاد جهانی یاد می‌شود. این روند با توسعه‌ی شهری و شیوه‌ی زندگی مدرن ارتباط نزدیکی دارد. در ادامه‌ی این قسمت به رابطه‌ی میان فرهنگ، توسعه‌ی پایدار و احیاء اجتماع محلی پرداخته شده و